

اقتیانوس علوی

حامد حجتی

یک برنامه تلویزیونی مکتوب
به مناسبت میلاد حضرت علی(ع)

پلاتو اول / مجری خندان و با چهره‌ای شاداب

بسم الله الرحمن الرحيم

حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير
شاید در این برخورد اول که پر از عطر گل‌های محمّدی /
بهترین واژه‌ای که بتواند دل‌های مارو به هم گره بزنه / همون
واژه قشنگی که همه ما با اون آشناییم / حالا که قراره توی
این روزای قشنگ پنجره دلمون رو رو به همدیگه باز کنیم /
بهتره که ما قفل دلمونو با این کلمه رو به شما باز کنیم... سلام
(با حالتی شاداب و صدای بلند)

پلاتو دوم / مجری دست‌هایش را باز کرده و
دوربین در حال حرکت دنبال او می‌چرخد

توی این دنیا اگه آدم دنبال عقربه‌های زمان صفحات تقویم
ورق بزنه / چند تا روز قشنگ پیدا می‌کنه که اصلاً به چیز
دیگه آن / روزای قشنگی که آدم احساس می‌کنه به خدا
نزدیک تره / روزایی که شاید خدای عالی اعلیٰ / اونهارو بین
تقویم زندگی ما تقسیم کرده / تا ما لذت ملکوت رو بچشیم /
یکی از اون روزای خوب ۱۳ رجب / ۱۳ رجبی که کعبه از فرط
ملکوتی شدن به روی فرزند فاطمه بنی‌اسد لبخند می‌زنه /
۱۳ رجبی که آسمون و زمین به لحظات خدایی‌اش رشک
می‌برن.

و ما که شیعه ۱۳ رجبیم چرا خوشحال نباشیم / چرا اشک
شوق مهمون چشمهامون نباشه؟ / چرا دلمون هوای خدایی
شدن نکنه؟ / ما شیعیان ۱۳ رجب وقتی عطر ولایت مولود
کعبه به مشاممون می‌خوره! / مست می‌شیم / مست یک
عشق الهی ...

پلاتو سوم / رو به تصویر یک تابلوی بزرگ که نام
مولا علی بر آن نقش بسته ایستاده و با دوربین
صحبت می‌کنه

«علی» قشنگ‌ترین اسمی که آسمون و زمین به خودش دیده
«علی» شاعرانه‌ترین واژه‌ای که بلیغ‌ترین و رساترین مفاهیم
توی خودش جا داده

و «علی» نهایت عشق... / عشق... / عشق...

راستی حالا که امروز قند نام علی علیه السلام روی لبهامون
شیرینی می‌کنه / چه بهتره که شیرینی این عشق الهی رو از
زبان اونهایی بشنویم که علی رو با همه مختصات عارفانه‌اش
درک کردند / آخه این علی که من و تو می‌شناسیم / یک
اقتیانوس بی‌نهایت که ما تنها حباب موج‌های دریایی اون

دلش وجود دارد برای بیننده بگوید

صحبت از آینه بود / آینه‌ای که بتونه اقیانوس وجود مولا علی علیه السلام رو به ما نشون بده / از هر کسی پرسی آینه علی کیه؟ / یک جواب قشنگ در همون لحظه اول به ذهنش خطور می‌کند / من شک ندارم که میگه: / آینه علی فاطمه است / و اگر این آینه نمی‌تونست تصویر شفافی از وسعت اقیانوس علوی رو در خودش جا بده / هیچ وقت سنگ صبور علی نمی‌شد / بزارید یه جور دیگه بگم / آینه اقیانوس علی فاطمه است / و آینه اقیانوس فاطمه علی / و وقتی دو تا آینه / اونهم به این شفافیت / جلوی هم قرار بگیرن / بی‌نهایتی درست می‌شه که هیچ کس نمی‌تونه عمق و وسعت این برخورد رو اندازه‌گیری کنه / حالا این فاطمه علی‌نما وقتی می‌خواد علی علیه السلام رو ترسیم کنه می‌فرماید:

او اصل رسالت، قله رفیع نبوت و گاه فرود جبرئیل امین است (۴)

راستی شما که اهل دلید / خبر ندارید کجا می‌تونیم جرعه‌ای از کوثر علوی بنوشیم این باده‌های خالی ما تشنه اجابت علوی / باران کرامت مولا روی کدوم سرزمین می‌بارد؟ آخه خیلی تشنه‌ایم؟!...

پلاتو ششم / خوشحال و سرحال با نوعی از بهجت معنوی که به لحاظ همراهی با این موضوع برایش اتفاق افتاد

ما چهارده تا آینه داریم / که مقابل دوتای از اون‌ها نشستیم و سرمست شدیم / اگر بخوایم رودر روی تمام این چهارده آینه بایستیم / شاید از وجد و شور و حال از خودمون بی‌خود بشیم / حالا که این سرمستی به این جا رسیده بزارید بریم سراغ یه جمله دیگه... / توی ایام ولادت حضرت علی علیه السلام به نظر من خوب این روایت آدم هر روز بخونه / امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«ولایت علوی علی بن ابی‌طالب علیه السلام دوست داشتنی‌تر از نسبت فرزندگی من به ایشان است چرا که ولایت علی علیه السلام واجب است ولی نسبت من به علی علیه السلام تنها یک فضیلت است» (۵) خیلی حرف قشنگیه... نه؟ / یعنی: ولایت‌مداری یک اصل واجبیه در حالی که فرزند علی بودن تنها یک فضله... پس ما شیعه‌ها که خودمون رو فرزند علی می‌دونیم باید ولایت‌مدار هم باشیم تا هم به این اصل الهی دست پیدا کنیم هم به این فضل الهی.

اقیانوس رو می‌بینیم / و البته آدمای نابی توی این دنیا هستند که چون آینه / تمام حجم این اقیانوس توی چشاشون میشه دید / اگه دست دلت بدی! هم من می‌ریم کنار اون آینه‌های صیقلی و سعی می‌کنیم گوشه‌ای از حجم وسیع اقیانوس علوی رو ببینیم.

پلاتو چهارم / مجری نشسته و با حالتی متفکرانه که سعی می‌کند گذشته‌ها را به یاد بیاورد می‌گوید.

اولین آینه اقیانوس علوی کسی نیست جز آن مرد ستوده‌ای که از کودکی پر و بال زدن در هوای ملکوت رو / به مولا علی یاد داد / و اون کسی نیست جز پیامبر خاتم صلوات الله علیه / پیامبر یه یک جمله بسیار زیبا در رابطه با مولا علی علیه السلام دارن که فقط باید بشنویم تا بفهمیم مولا علی علیه السلام کی بوده؟

«هر کس بخواهد به علم آدم، فهم نوح، حلم ابراهیم، زهد یحیی بن زکریا و شهادت موسی بنگرد به علی بن ابی‌طالب علیه السلام نگاه کند.» (۱)

(با تأکید) حالا به این حرف من ایمان آوردید که علی یک اقیانوس بی‌نهایتیه...

«منزلت علی علیه السلام نسبت به من چون منزلت من نسبت به خداست» (۲)

(با تأکید) این هم ازون حرف‌هایی که هنوز درکش برای امثال من خیلی زوده / اما مثل یک باده‌ازلی آدم سرمست می‌کنه /

یک جمله دیگه هست که همه ما شنیدیم اما تکرارش خیلی برای همه قشنگه...

«من شهر حکمتم که این شهر همان بهشت جاویدان است و توای علی درگاه این بهشتی و چگونه است که کسی وارد این بهشت شود در حالی که از درگاه آن گذر نکند.» (۳)

خلاصه بگم علی بهشت و بهشت علی / اگه تمام عمر سجده شکر کنیم که عاشق این علی اعلیٰ هستیم هنوز کم...

پلاتو پنجم / مجری با احساس عارفانه در حالی که سعی می‌کند تمام حرف‌هایی که در





فریادی در سکوت

سید محمّد حامد ثابت

گفت و گوی غیر حضوری با مولا علی علیه السلام

اشاره:

در عصر تاریک و ظلمانی بشریت و در هنگامه‌ای که تنها نقطه امید انسان‌های مظلوم و تحت ستم، ام‌القرای جهان اسلام یعنی نظام اسلامی ایران می‌باشد و با ابتکار سالار بسیجیان، ولی‌امر مسلمین حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، سال ۱۳۸۰ سال رفتار علوی نام‌گذاری شده است، بر آن شدید بسان فریادی در سکوت جرقه‌ای در ظلمت، مصاحبه‌ای داشته باشیم با پیشوای بزرگ آزادی‌خواهان و عدالت‌جویان و مولای همواره جاوید مؤمنان، حضرت علی‌ت تا در اطاعت پیشوا و مولایمان علی زمان، دین خود را نسبت به مراد خویش ادا نماییم.

■ امام عزیز، در ابتدا از محضرتان تمنا داریم از خودتان بگویید.

□ هنگامی که مردم سست و ناتوان بودند، من به یاری دین اسلام برخاستم. هنگامی که از ترس پنهان و سر در گریبان بودند من خود را آشکار ساختم. به هنگامی که از وحشت به لکنت زبان دچار شده بودند، من حق را بازگو کردم. و هنگامی که از حرکت در راه خدا وامانده بودند، من به نور الهی پیشروی نمودم، با این وصف در خودنمایی و اظهار وجود از همه خاموش‌تر اما در پیشی جُستن از همه برتر بودم. پس زمام نیکی‌ها و فضائل را گرفته و به پرواز درآمدم و تنها برنده جایزه این مسابقه شدم. من همانند کوهی استوارم که رعد و برق و تند باد آن را نمی‌جنبانند در من عیبی نیست تا کسی بتواند با آن عیب مرا سرزنش کند و به من طعنه زند. خوار در نزد من عزیز و گرامی است تا حق او را بگیرم. و افراد متکبر و گردن‌کش در نزد من خوارند تا حق مستضعفان را از آنان باز ستانم ما به قضا و قدر الهی خرسندیم و به امر حق تسلیم. (۱)

■ امام بزرگوار، دنیا چیست که این‌گونه همه را مبتلائی خود کرده است؟

□ دنیا سرائی است با سرنوشتی ناپایدار و با مردمی ناچار به ترک یار و دیار. دنیا شیرین و شاداب می‌نماید و همانا که به سوی خواهند می‌شتابد و مهر خود را در دل بیننده می‌آمیزد. پس، از این دیار یا نیکوترین توشه که در دست شما رخت بر بندید و در این بازار بالاتر از نیاز خواهید و از آن

این هم یک جرعه... دیگه چی می‌خواین؟ / پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «ای علی تو مثل سوره قل هو الله احد می‌مانی در امت من، اگر کسی تو را با تمام وجود دوست بدارد گویی یک سوم قرآن را قرائت کرده است و اگر کسی تو را با تمام وجود دوست بدارد و با زبان خویش نیز همراهی‌ات کند دو سوم قرآن را قرائت کرده است و اگر کسی تو را با تمام وجود دوست بدارد و با زبان خویش همراهی کند و به یاری‌ات نیز بشتابد گویی تمام قرآن را خوانده است. (۶)

قربون همه عاشقای مولا علی که در تمام لحظات زندگی شون در حال ختم قرآنند...
یا علی مدد



پی‌نوشت‌ها

۱. البداية و النجاة، ص ۷، ج ۳۵۷
۲. ذخائر العقبی، ص ۱۲۰
۳. امالی صدوق، ص ۴۷۲، ج ۶۳۲
۴. امالی طوسی، ص ۳۷۴، ج ۸۴۰ / احتیاج، ج ۱، ص ۲۸۶، ج ۵۰
۵. فضایل ابن شاذان، ص ۱۰۶، ج ۳۹، ص ۲۹۹
۶. خصال، ص ۵۷۲، ج ۱